

## نگرشی بر مشکلات حاشیه‌نشینی در اصفهان (منطقه ارزنان)

کاظم قجاوند\* و دکتر مهرداد نوابخش\*\*

### چکیده

**زمینه:** حاشیه‌نشین به فردی اطلاق می‌شود که در پیرامون شهر سکونت دارد، ولی به دلایل مختلف نتوانسته است جذب نظام اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آن شهر شود.

اغلب حاشیه‌نشینان در شرایطی زندگی می‌کنند که از کمترین امکانات اولیه بی‌نصیب هستند. با افزایش حاشیه‌نشینی شاهد گسترش بی‌رویه نابرابری‌های اجتماعی، فقر، بیکاری، بزهکاری و جرم، تفاوت‌های فرهنگی و بیسوادی می‌باشیم.

**هدف:** هدف اصلی این تحقیق، بررسی مشکلات و مسایل حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینان در منطقه ارزنان شهر اصفهان می‌باشد.

**جامعه آماری:** جامعه آماری شامل کلیه ساکنانی است که در منطقه ارزنان زندگی می‌کرده‌اند.

**نمونه‌گیری:** پژوهش حاضر به روش پیمایشی صورت گرفته است.

**تجزیه و تحلیل داده‌ها:** به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و جداول تک‌بعدی) و نیز از روش آمار استنباطی (آزمون  $T$ ،  $Z$ ، کرامر، کندال و یلکاکسون) برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است فرضیات تحقیق با کمک نرم‌افزار SPSS و روش ناپارامتری بررسی گردید.

**یافته‌های تحقیق:** نشان می‌دهد که بین حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی، آسیبه‌های اجتماعی بیکاری و فقر رابطه وجود دارد.

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.

\*\* دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

**کلید واژه‌ها:** حاشیه‌نشینی، آسیب‌های اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آسیب‌شناسی شهری، مشارکت اجتماعی

## مقدمه

یکی از پیامدهای روند توسعه و تحولات اقتصادی، تحرک مکانی جمعیت در قالب مهاجرت‌های روستایی - شهری است. علت اصلی این گونه مهاجرت‌ها نیز سرریز مازاد نیروی کار مناطق روستایی است که با کاهش سطح زندگی و رفاه این گروه در زادگاه خود، انگیزه‌ای قوی برای مهاجرت پدید می‌آورد (جوهری پور، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستائیان به شهرها مساله حاشیه‌نشینی و مسکن نامناسب را پدید آورده است. در اثر مهاجرت، ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه طبیعی خود را از دست می‌دهد. مهاجرت‌های روستایی و رشد سریع شهرنشینی و ظهور حلیه‌آبادها، کمبودها و مضایق زندگی شهری، کمبود مسکن و نارسایی‌های آن همراه با رشد بیکاری و عدم اشتغال مناسب، زمینه‌چرم‌زایی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم ساخته است (ربانی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

از سال‌های ۱۹۵۰ بحث‌های مرتبط با حاشیه‌نشینی در جهان و به خصوص جهان سوم به صورتی گسترده مطرح شد. تاریخچه مطالعات مربوط به حاشیه‌نشینی در ایران به دهه ۱۳۴۰ شمسی برمی‌گردد. طی ۵۰ سال گذشته اغلب کلان‌شهرهای ایران از جمله تهران، شیراز، تبریز، مشهد، کرج و اصفهان با پدیده حاشیه‌نشینی مواجه بوده‌اند.

اصفهان نیز از جمله کلان‌شهرهایی است که بویژه در دو دهه گذشته با موضوع حاشیه‌نشینی روبرو گشته است. منطقه ارزنان که در این مقاله به عنوان یک مطالعه موردی (Case study) مورد بررسی قرار گرفته است، از جمله مناطق حاشیه‌ای شهر اصفهان به شمار می‌رود. در این مقاله سعی خواهد گردید تا ضمن معرفی ابعاد مختلف نظری و تئوریک حاشیه‌نشینی، به بررسی ویژگی‌های، انسانی، فرهنگی، اجتماعی و مسکونی ساکنان این منطقه اشاره گردد. همچنین درانتها پیشنهاداتی کاربردی جهت کاهش مشکل ساکنان و مدیریت شهری در این منطقه ارائه می‌گردد.

## اهداف تحقیق

- هدف کلی تحقیق معرفی ویژگیهای انسانی، اجتماعی، فرهنگی و مسکونی ساکنان منطقه ارزنان شهر اصفهان می‌باشد. تحقیق دارای اهداف فرعی نیز می‌باشد که عبارتند از:
- شناسایی مسایل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی ساکنان منطقه حاشیه‌نشین ارزنان
  - به تصویر کشاندن نما و ویژگیهای کلی منطقه ارزنان
  - تعیین عوامل دموگرافیک (جمعیت شناختی) ساکنان منطقه ارزنان
  - ارائه پیشنهادات و راهکارهایی در جهت بهبود وضعیت کیفیت زندگی مردم در منطقه
- مورد مطالعه

## تعریف موضوع

مارشال کلینارد<sup>۱</sup> معتقد است: حاشیه‌نشینی، خرده فرهنگی با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، با انحرافات اجتماعی و ویژگیهای دیگر، از جمله انزوای اجتماعی همراه است (کلینارد، ۱۹۶۶: ۳).

زاهد زاهدانی حاشیه‌نشینان را براساس سبک زندگی آنان تعریف می‌نماید و معتقد است حاشیه‌نشینان، کسانی هستند که در محدوده اقتصاد شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اجتماعی - اقتصادی شهر نشده‌اند. علت جذب نشدن آنان یکی مشکل مسکن (ناشی از درآمد پایین) و دیگری تفاوت رفتار آنان با رفتارهای متعارف شهر و نیز با افرادی است که با همان سطح درآمد در شهر زندگی می‌کنند (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷).

پیران معتقد است انسان حاشیه‌نشین، شخصیتی است که از حاصل برخورد با پیوند دو نظام فرهنگی متفاوت و احیانا متخاصم ظهور می‌کند. چنین موجود دو رگه‌ای در زمان واحد نسبت به هر دو نظام فرهنگی احساس بستگی و تعلق خاطر دارد، ولی در عین حال خود را نسبت به هیچکدام متعلق و متمایل نمی‌داند (پیران، ۱۳۶۷: ۷۴).

جامعه‌شناسان در تعریف افرادی که در حریم شهرها سکونت دارند، معتقدند: معمولاً حاشیه‌نشینان را کسانی تشکیل می‌دهند که در شهرها زندگی می‌کنند اما به عنوان یک شهروند از امکانات و خدمات شهری بهره نمی‌برند.

پارک به بعد اجتماعی حاشیه‌نشینی می‌نگرد و چنین اظهار می‌دارد: «انسان حاشیه‌نشین نوعی شخصیت است که در زمان و مکانی به وجود می‌آید که در اثر کشمکش نژادها و فرهنگ جامعه‌های نو، مردم نو و فرهنگی‌های نو به عرصه وجود گام می‌نهد. سرنوشتی که او را محکوم می‌کند که در یک زمان در دو دنیای جداگانه زندگی کند» (انصاری، ۱۳۶۹: ۲۰).

حاشیه‌نشینان شهری معمولاً از ابعاد مختلف زندگی، یعنی فیزیکی (مسکن ناهنجار) و از بعد اجتماعی (با فرهنگ و رفتارهای اجتماعی جدا و متفاوت از جامعه شهری) و از بعد اقتصادی (ویژگیهای اشتغال، درآمد و مهارت) متمایز می‌شوند و در واقع جز محرومترین اقشار جامعه شهری به شمار می‌روند و به علت این محرومیت شدید در برابر هرگونه آسیب اجتماعی نیز بی‌دفاع هستند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

## ویژگیهای حاشیه‌نشینان

حاشیه‌نشینی دارای ویژگی‌هایی است که آنها را از سایر نقاط شهری متمایز می‌سازد. برخی از عمده‌ترین این خصوصیات عبارتند از:

- ۱- اغلب افراد؛ با موطن خود در ارتباط دائمی هستند.
- ۲- قضا و قدرگرا بوده و دارای آرزوها و انگیزه‌های محدودی هستند.
- ۳- اکثر افراد حاشیه‌نشین فاقد مهارت بوده و به همین دلیل دارای عدم ثبات در شغل می‌باشند.

۴- کلینارد معتقد است انحرافات و بزهکاری در مناطق حاشیه‌ای شهرها فراوان است، به عبارتی دیگر حاشیه‌نشینی منبع اصلی جرم و جنایت به شمار می‌رود (کلینارد، ۱۹۶۶: ۳). حاشیه‌نشینان با امور ناهنجاری از جمله مواد مخدر و خشونت‌های جنسی سروکار دارند (ربانی و افشار کهن، ۱۳۸۰: ۸۱).

البته در سالهای اخیر چنین فرضیه‌های رادیکال مبتنی بر سهم بالای آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین، با جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر در ایران تعدیل شده است (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۵۹).

۵- درآمد اکثریت افراد در مناطق حاشیه‌نشینی پایین بوده و عموماً به مشاغل ساده و ابتدایی که نیاز به مهارت چندانی ندارند مشغول هستند (برجیس، ۱۹۸۶: ۲۱).

۶- اکثر حاشیه‌نشینان در مقابل منافع مشترک و مسایل جمعی به شدت با هم همبستگی دارند.

۷- درصد بالایی از آنها از وضعیت فعلی خود راضی هستند و مایل به برگشت به روستا نیستند.

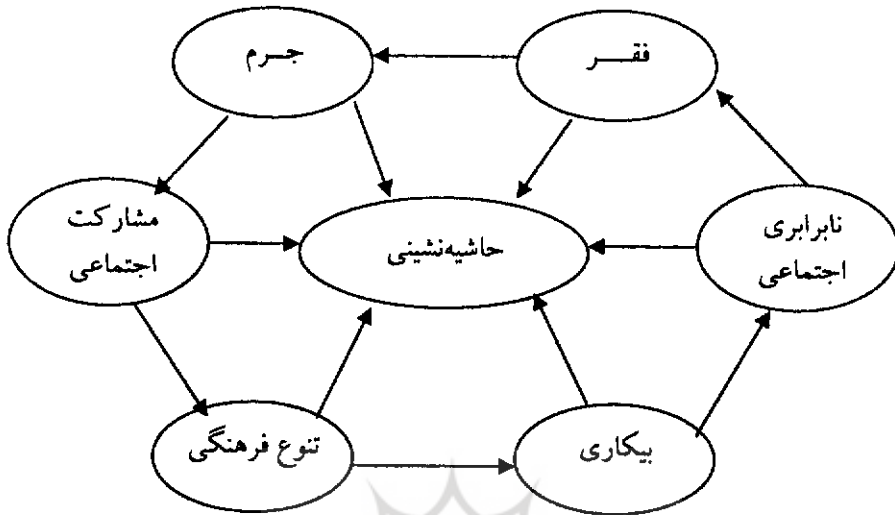
۸- از نظر اجتماعی، فرهنگی بافتی جدا از بافت جامعه دارند (لهسایی زاده، ۱۳: ۱۳۶۸).  
۹- حاشیه‌نشین‌ها در سکونت‌گاههای غیر متعارف زندگی می‌کنند. (زاهد زاهدانی، ۱۳۵۵: ۲) ساخت منازل عمدتاً کوچک بوده، نورناکافی، فاضلاب نامناسب، آب آشامیدنی ناسالم و منازل عموماً از مصالح نامتعارف و ناپدیدار ساخته می‌شوند.

۱۰- ساکنان مناطق حاشیه‌ای دارای فرهنگی با مشخصات بی‌اعتنایی به مرگ، اعتقاد به سرنوشت و علاقمند به خشونت هستند.

در این پژوهش، حاشیه‌نشین‌ها، سیل عظیم مهاجرانی به شمار می‌روند که توانسته‌اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهرها شوند. (زاهد زاهدانی)، آنان پس از مهاجرت، عمدتاً به سوی زمین‌های رها شده در اراضی نامناسب شهری روی می‌آوردند (هوم هویت) که این مناطق از نظر اجاره بهاء و قیمت مسکن در سطح پایین قرار دارند. (آبرامز) این حاشیه‌نشینان عمدتاً در مناطق زادگاه خود که روستاهای شهرهای اطراف و پیرامون اصفهان می‌باشد و یا مهاجران خارجی (افغانی و عراقی)، از امکانات بهداشتی، رفاهی و آموزش مورد نیاز برخوردار نبوده‌اند و ترجیح داده‌اند به منظور برخورداری از این امکانات، به شهرها روی آوردند (راونشین).

از آنجا که این مهاجران از درآمد بیشتری در شهرها برخوردار می‌گردند و احتمال بدست آوردن شغل در شهرها بیشتر از روستاها است. لذا تمایلی به برگشت به مبدأ خود ندارند. (تودارو) افراد حاشیه‌نشین عمدتاً تحصیلات پایین داشته و از مهارت کافی برخوردار نیستند. به همین دلیل از بیکاریهای فصلی و عدم ثبات در شغل رنج می‌برند (اورت. اس. لی).

درنگاه کلی می‌توان مدل نظری این تحقیق را طبق شکل زیر ترسیم نمود: (ربسانی،



### دیدگاه‌های مرتبط با مدل نظری تحقیق

جهت ترسیم مدل نظری در این تحقیق از نظریات صاحب نظرانی همچون هوم هویت<sup>۱</sup>، آبرامز<sup>۲</sup>، مایکل تو دارو، زاهد زاهدانی، راونشین، اورت اس. لی و کلینارد استفاده شده است.

۱. نظریه مهاجرتی مایکل تو دارو (۱۹۷۵) در مطالعات فرهنگی مایکل تو دارو مهاجرت شدت یافته از روستا به شهر را با بیکاری روبه‌تزايد در مناطق روستایی توضیح می‌دهد.

فرضیه نمادین وی این است که مهاجرت عمدتاً پدیده‌ای اقتصادی است و با وجود بیکاری در مناطق روستایی مهاجرت امری منطقی است. چهار ویژگی اصلی برای نظریه تودارو عبارتند از:

الف) انگیزه مهاجرت براساس ملاحظات عقلانی، اقتصادی، سود و هزینه نسبی است و اگرچه عمدتاً مالی است، در ضمن روانی هم به‌شمار می‌رود.

ب) تصمیم به مهاجرت بستگی به تفاوت‌های مورد انتظار بین مزدهای واقعی در شهر و

روستا دارد و نه تفاوت‌های واقعی بین آنها. تفاوت‌های مورد انتظار به وسیله کنش متقابل دو متغیر، یعنی تفاوت‌های واقعی بین مزدهای شهری و روستایی و احتمال کسب موفقیت آمیز شغل در بخش شهری تعیین می‌شود.

ج) احتمال بدست آوردن شغل در شهر ارتباط معکوس با میزان بیکاری شهری دارد.  
د) در صورت وجود اختلاف زیاد بین درآمدهای مورد انتظار در شهر و روستا، مهاجرت مازاد بر امکانات اشتغال شهری، نه تنها ممکن، بلکه منطقی است.

## ۲. دیدگاه کارکردگرایان در خصوص علت حاشیه‌نشینی

دیدگاه کارکردگرایی در توجیه مهاجرت روستائیان و تمرکز آنها در مناطق حاشیه‌ای شهری معتقد است که: از آنجا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شوند و در تعدادی از شهرها پاسخ صحیحی برای آنها وجود دارد، از این رو به گونه‌ای عدم تعادل میان جوامع روستای و شهری ایجاد می‌شود. و روستائیان برای ارضای نیازهای خود دست به مهاجرت می‌زنند. بنابراین از دیدگاه نظریه کارکردگرایی مهاجرت ناشی از عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است و هرگونه تغییری که در جامعه روی می‌دهد، در جهت برقراری تعادل و هماهنگی است. طرفداران این نظریه معتقدند که دوام هر جامعه در گرو تعادل و یکپارچگی است تا انسجام لازم به وجود آید و در این میان مهاجرت به عنوان عاملی در انتقال نیروی انسانی، سرمایه و منابع تولیدی دیگر به شهرها تعادل را میان مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته ایجاد می‌کند.

## ۳. نظریه جاذب و دافعه راونشین

راونشین معتقد است علت حاشیه‌نشینی را می‌بایستی در میان جذابیت‌های مناطق شهری و دافعه‌ها و عوامل بازدارنده محیط‌های روستایی جستجو نمود. حاشیه‌نشینان به علت عدم برخورداری از امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و تحصیلی و مهم‌تر از همه جهت برخورداری از کار و اشتغال ناگزیر از مهاجرت به شهرها می‌شوند. البته راونشین معتقد است که این مهاجرت روندی مرحله‌ای داشته و روستائیان ابتدا تمایل دارند به شهرهای نزدیک و سرانجام به سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند، مهاجرت نمایند.

به زعم راوشین با گسترش تکنولوژی ارتباطات و تسهیل فرایند جابجایی روند مهاجرت روبه ازدیاد خواهد گذاشت.  
از نظر راوشین وجود قوانین ظالمانه و نامناسب و روزمره، مالیتهای سنگین، آب و هوا و اقلیم نامناسب و محیطهای اجتماعی نامطلوب، تماما در ایجاد جریانات مهاجرت تاثیرگذار خواهند بود.

#### ۴. نظریه عوامل میانی اورت اس. لی<sup>۱</sup>

اورت اس. لی. جامعه‌شناس، در سال ۱۹۶۶ با نقد نظریات راوشین، نظریه‌ای جدید را در زمینه مهاجرت روستائیان به شهرها و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی ارائه نموده است.  
به عقیده وی مهمترین عوامل در تصمیم‌گیری برای مهاجرت عبارتند از:  
(I) عوامل مرتبط با حوزه مبدأ مهاجرت: این عوامل به پدیده‌های فرهنگی و محیطی مربوط می‌شود که می‌تواند مثبت (جاذبه)، منفی (دافعه) و خنثی (بی‌اثر) باشند.  
(II) عوامل مرتبط با منطقه مقصد مهاجرت: این عوامل همان امتیازات و معایب زندگی شهری برای مهاجران روستایی را تشکیل می‌دهد.  
(III) عوامل دخالت‌کننده: موانع بازدارنده بین مبدأ و مقصد مانند بعد سافت، بازدارنده‌های فیزیکی، قوانین مهاجرت، هزینه حمل‌ونقل، سنت‌ها، آداب و رسوم و... که در جابجایی یا باقی ماندن افراد تاثیر می‌گذارد.  
(IV) عوامل شخصی: مانند حساسیتهای فردی، هوش، آگاهیهای اجتماعی، تماسهای فردی، داشتن آشنا و راهنما در شهر، شرایط خانوادگی، تاریخچه خانوادگی، جنسیت و سواد افراد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

#### زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی در اصفهان

شکلهای مختلف زاغه‌نشینی حداقل از پایان قرن نوزدهم در ابعاد قابل ملاحظه در اصفهان مشاهده شده است.

محلات قدیم و فقیرنشین مانند جویباره (محل سکونت اقلیت کلیمی شهر اصفهان) در



دشت و شهبهان و طوقچی با تفاوت‌های مختصری در نوع ترکیب جمعیت و شدت و ضعف در زاغه‌نشینی محکوم به این نوع زندگی غیر انسانی و مشقت‌بار بوده‌اند.

تاریخ حاشیه‌نشینی اصفهان در زمان جدیدتر هم زمان با شکل‌گیری صنایع نساجی و ریستندگی و بافندگی در اصفهان از اواسط دوره رضاخان شروع شده است. در آن زمان حاشیه‌نشینی کارگران نساجی در محلات طوقچی و مفت‌آباد (کوله پارچه) و در حوالی گورستان تخت فولاد و در جنوب شرقی اصفهان تظاهر نموده است و رفته‌رفته با توسعه صنایع و تشدید نیاز به کارگران صنعتی به ویژه بعد از پایه‌گذاری صنعت ذوب آهن در سال ۱۳۴۶ در مجاورت اصفهان روبه افزایش گذاشت مانند صحرا روغن و دستگرد در غرب اصفهان، مفت‌آباد در جنوب شرقی و مسیر جاده زینیه در شمال شرقی اصفهان را در بر گرفت (ربانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی عده‌ای از مهاجران جنگ تحمیلی به مناطق حاشیه‌ای اصفهان روی آوردند و با احداث منازل و پیا زندگی در شهرک‌های واگذار شده به زندگی در مناطق حاشیه‌ای اصفهان پرداختند.

مهاجرین افغانی نیز از جمله افرادی هستند که به دلیل بی‌ثباتی سیاسی و جنگ در کشورشان بیشتر در مناطق حاشیه‌ای اصفهان سکنی گزیدند و اغلب در اموری همچون کارخانجات سنگبری واقع در خمینی شهر، دولت آباد و ... و کارهای بنایی مشغول شدند. از عوامل تشدیدکننده حاشیه‌نشینی در اصفهان و بویژه در منطقه ۷ شهرداری (زینیه فعلی) خشکسالی در شهرهای کوچک استان اصفهان بویژه مناطق محروم فریدن و فریدون‌شهر می‌باشد که سبب گردید، تعداد زیادی از مردم روستاهای این منطقه به محله ارزنان و اطراف آن مهاجرت نمایند.

## سوابق و پیشینه تحقیق

### الف) تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

در خصوص نواحی حاشیه‌نشین و خصوصیات ساکنان آن تحقیقات متعددی در کشورهای مختلف جهان انجام شده است که ذکر آنها خارج از حوصله این مقاله می‌باشد. این تحقیقات از دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، جرم‌شناسی و رشته‌های دیگر قابل تامل است. هاج مولر<sup>۱</sup> در شهرهای مختلف آلمان شرقی ضمن مطالعه بر حاشیه‌نشینی، به ارایه ویژگیهای

افراد ساکن در این مناطق پرداخته است.

جوزف استیگلitz به موضوع عدم توجه به نظرات شهروندان در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ در کشورهای جهان سوم از سوی دولتمردان و سیاستمدان پرداخته است. وی معتقد است که در این کشورها، افراد حاشیه‌نشین فقط ابزاری برای مشارکت آنان در انتخابات و مراسم‌های سیاسی است و در سایر فصول توجه لازم به آنها به عمل نمی‌آید (استیگلitz<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). علاوه بر این جامعه‌شناسانی نظیر جی‌ام‌سی‌می<sup>۲</sup>، هایرون نورتن گینزبرگ، دیوید مک کله‌لند در خصوص یافتن راه‌حلهایی برای کاهش مشکلات اقتصادی و اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین مطالعات و تحقیقات متعددی انجام داده‌اند (کلهرنیا، ۱۳۸۲: ۲۲۷).

## ب) تحقیقات انجام شده در ایران

۱- ربانی، رسول و همکاران طی انجام یک تحقیق میدانی در منطقه ارزنان و دارک در سال ۱۳۸۲، به نتایج زیر دست یافتند میان حاشیه‌نشینی و میزان بیکاری ساکنان منطقه رابطه معنادار گزارش گردیده است. همچنین در این پژوهش میان حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی ساکنان و نیز میان حاشیه‌نشینی و فقر رابطه معنادار گزارش شده است.

علاوه بر این نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از مشکلات عمده مردم منطقه ارزنان، فقدان امنیت اقامت (مالکیت زمین) می‌باشد. جرایم و انحرافات اجتماعی و خشونت در این منطقه زیاد مشاهده شده و علی‌رغم جمعیت بالای منطقه مراکز آموزشی و بهداشتی به گونه‌ای ناکافی در ارزنان وجود دارد (ربانی، کلاتری و یآوری، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

۲. خانم حاجیه فلاح در تحقیقی به بررسی ویژگی‌های انسانی و اجتماعی بافت حاشیه‌ای ملاحیه در شهر اهواز پرداخته است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۱۵/۹ درصد خانواده‌ها در این منطقه بیکار هستند. دزدی و اعتیاد به شدت در ملاحیه دیده می‌شود. آلودگی شدید محیط و جمع‌شدگی آب فاضلاب در این منطقه به شکلی آزار دهنده دیده می‌شود. نداشتن مهارت و تخصص در ساکنان این منطقه سبب گردیده که کارگران ساده این محله در مواقع بحرانی به سادگی شغل خود را از دست بدهند (فلاح، ۱۳۸۳: ۳۶).

## روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی<sup>۱</sup> (زمینه‌یابی) می‌باشد. تحقیق از نوع پژوهش‌های میدانی - مقطعی می‌باشد، چرا که محقق در یک مدت زمان مشخص (پاییز ۸۴) به مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات در منطقه حاشیه‌نشین ارزنان پرداخته است. جامعه آماری عبارتند از ساکنان منطقه ارزنان که جمعیت آن نزدیک به ۳۰۰۰۰ نفر برآورد شده است (گزارش شهرداری منطقه ۷ اصفهان).

در این تحقیق تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه از طریق فرمول کوکران انتخاب که از این میان، تعداد ۲۷۵ پرسش‌نامه تکمیل و در اختیار محقق قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری؛ با ساکنان منطقه می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش آمار توصیفی (توزیع فراوانی، جداول، شاخصهای مرکزی) و نیز از روش آمار استنباطی (آزمونهای کای اسکوتر، آزمون z، ویلکا کسون و ضرایب همبستگی کندال بی‌واسپیرمن) استفاده شده است. داده‌ها پس از ورود به رایانه از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

## سئوالات تحقیق

از آنجا که تحقیق حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی می‌باشد، لذا بجای ارایه فرضیه از سئوال تحقیق استفاده شده است.

مهمترین سئوالات این تحقیق عبارتند از:

- ۱- ویژگیهای دموگرافیک (جمعیت‌شناسی) ساکنان منطقه ارزنان چگونه است؟
- ۲- آیا بین حاشیه‌نشینی و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان منطقه ارزنان رابطه معنادار وجود دارد؟
- ۳- آیا بین حاشیه‌نشینی و میزان مشارکت سیاسی ساکنان منطقه ارزنان رابطه معنادار وجود دارد؟

۴- آیا بین حاشیه‌نشینی و میزان بیکاری ساکنان ساکنان منطقه ارزنان رابطه معنادار وجود

دارد؟

۵- آیا بین حاشیه‌نشینی و میزان آسیب‌های اجتماعی منطقه ارزنان رابطه معنادار وجود دارد؟

۶- آیا بین حاشیه‌نشینی و میزان فقر ساکنان منطقه ارزنان رابطه معنادار وجود دارد؟

۷- مهمترین علل مهاجرت ساکنان منطقه ارزنان به این محله کدامند؟

۸- وضعیت اشتغال ساکنان منطقه ارزنان به تفکیک حاشیه‌نشینان و افراد بومی (غیر

حاشیه‌نشین) چگونه است؟

## یافته‌های تحقیق

مهمترین یافته‌های تحقیق در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد مطالعه قرار

می‌گیرند.

## آمارهای توصیفی

براساس داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش ۸۱/۸ درصد مشارکت کنندگان در این

تحقیق حاشیه‌نشین و ۱۸/۲ درصد را افراد بومی (روستائیان که در این منطقه بدنیا آمده‌اند) را

تشکیل می‌دهند، از این تعداد، ۶۵/۲ درصد مرد و ۳۴/۸ درصد زن می‌باشند.

به لحاظ وضعیت تحصیلی پاسخگویان، ۳۶/۱ درصد بی‌سواد، ۲۹/۴ درصد تحصیلات

ابتدایی و خواندن و نوشتن، ۱۴/۶ درصد تحصیلات سوم راهنمایی (سیکل)، ۱۶/۸ درصد دیپلم و

۳/۱ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل ۷۸/۸ درصد متأهل،

۱۳/۲ درصد مجرد، ۴/۸ درصد پاسخگویان مطلقه و ۳/۲ درصد همسر مرده گزارش شده‌اند.

متوسط حجم خانوار ۷/۵ نفر بوده که بالاتر از متوسط حجم خانوار در شهرستان اصفهان

می‌باشد.

## تنوع زبانی و قومیتی در منطقه ارزنان

منطقه ارزنان به لحاظ بافت حاشیه‌نشین بودن خود، دارای قومیتها و تنوع زبانی می‌باشد.

در این پژوهش مشخص گردید که ۲۵ درصد پاسخگویان لر، ۲ درصد کرد، ۸ درصد ترک، ۳

درصد گرجی، ۱۲ درصد عرب و ۱۵ درصد افغانی هستند و ۳۵ درصد باقیمانده نیز فارس هستند. عمده افراد فارسی زبان همان بومیان منطقه و تعدادی از مهاجران از شهرهای اطراف اصفهان می‌باشند.

### وضعیت مسکن

وضعیت مسکن افراد بومی متفاوت از حاشیه‌نشینان می‌باشد. افراد بومی عمدتاً دارای منازل نسبتاً بزرگ، اما با ساختی گلی، خشتی و آجر می‌باشد. عمدتاً در یک طبقه ساخته شده است. اما منازل حاشیه‌نشین عمدتاً در مساحت‌های کوچک و در ۲ طبقه (که در اکثر موارد، یک طبقه به مستاجر واگذار گردیده است) مشاهده می‌شود.

نزدیک به  $\frac{1}{3}$  پاسخ دهندگان (۳۰/۸ درصد) مستاجر هستند. ۳۸/۲ درصد پاسخگویان متراژ منازل خود را زیر ۷۵ متر مربع تعیین نموده‌اند. ۵۹ درصد پاسخگویان متراژ منازل خود را زیر ۱۰۰ متر مربع ذکر کرده‌اند و فقط ۳۰/۴ درصد پاسخگویان دارای منازلی بیش از ۱۰۰ متر مربع مساحت بوده‌اند. از نظر امکانات داخل منازل، ۷۲ درصد از پاسخگویان اذعان داشته‌اند که درون منازل خود حمام و سرویس بهداشتی مستقل داشته‌اند، اما نزدیک به نیمی از این تعداد آبگرمکن جهت استفاده از حمام در اختیار نداشته‌اند.

جدول ۱: توزیع فراوانی وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان

مجموع		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت اشتغال
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۵/۱	۶۹	۱/۸	۵	۲۳/۳	۶۴	کارگر ساختمانی و بنایی
۲۳/۷	۶۵	۵/۲	۱۴	۱۸/۵	۵۱	کارگر کشاورزی
۸/۷	۲۴	۲/۹	۸	۵/۸	۱۶	کارمند - فرهنگی
۶/۹	۱۹	۰/۷	۲	۶/۲	۱۷	نگهبان آبدارچی
۱۶/۴	۴۵	۳/۳	۹	۱۳/۱	۳۶	دستفروش و دک‌دار، دوره‌گرد
۹	۲۵	۲/۵	۷	۶/۵	۱۸	مغازه‌دار (آزاد)
۱۰/۲	۲۸	۱/۸	۵	۸/۴	۲۳	بازنشسته
۱۰۰	۲۷۵	۱۸/۲	۵۰	۸۱/۸	۲۲۵	مجموع

مطابق با جدول بالا، ۲۳/۳ درصد افراد حاشیه‌نشین به علت فقدان مهارت و تخصص کافی کارگران ساده بنایی هستند که به طور نامنظم و نامشخص به کارگری می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اغلب افراد حاشیه‌نشین در طول یکسال گذشته حداقل یکبار تجربه بیکاری را با میانگین ۳۸ روزه تجربه نموده‌اند.

همچنین مطابق با جدول فوق ۱۸/۵ درصد پاسخگویان کارگران فعلی کشاورزی هستند که با اتمام فصل کشاورزی ناگزیر از پرداختن به اموری دیگر خواهند بود.

### جدول ۲: توزیع فراوانی علت مهاجرت به منطقه ارزنان از نظر پاسخ‌گویان حاشیه‌نشین

ردیف	علت	فراوانی	درصد
۱	امکانات رفاهی نامناسب در مبدأ	۲۶	۱۱/۶
۲	کمی درآمد و دستمزد در مبدأ	۶۱	۲۷/۲
۳	امکان اشتغال در محل	۷۵	۳۳/۳
۴	نداشتن زمین یا امکانات کشاورزی	۱۲	۵/۳
۵	فقدان امکانات بهداشتی و درمانی در مبدأ	۱۴	۶/۳
۶	برخورداری فرزندان از امکانات آموزشی و تحصیلی	۱۰	۴/۴
۷	رسیدگی بیشتر به فرزندان خانواده که جهت اشتغال به اصفهان آمده‌اند.	۱۹	۸/۴
۸	نزدیکی به اقوام و خویشان در مقصد	۵	۲/۲
۹	سایر موارد (بی‌ثباتی سیاسی و جنگ افغانستان)	۳	۱/۳
۲۳	مجموع	۲۲۵	۱۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از پاسخگویان عوامل مربوط به دافعه‌ها و کمبود امکانات را در محیطهای مبدأ خود عامل مهاجرت به منطقه ارزنان ارزیابی نموده‌اند.

همچنین نیمی از عوامل مهاجرت را می‌بایستی در امکانات و جاذبه‌های کلان شهری مانند اصفهان جستجو نمود. مطابق با جدول فوق ۳۳/۳ درصد (۱/۳ پاسخگویان) امکان اشتغال در اصفهان را مهمترین علت مهاجرت به ارزنان ارزیابی نموده‌اند.

۲۷/۲ درصد افراد نیز کمی درآمد و دخل خود را در محیطهای مبدأ (عمدتاً روستاها و شهرهای کوچک استان اصفهان) علت مهاجرت برشمرده‌اند.

به طور کلی آمارهای جدول فوق گواه آن است که مهمترین عامل در مهاجرت، موضوع اقتصادی و بیکاری مهاجران در شهرهای مبدأ می‌باشد.

جدول ۳: توزیع فراوانی وضعیت فعالیت سرپرست خانواده‌های نمونه

مجموع		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت فعالیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۴۵/۱	۱۲۴	۶/۹	۱۹	۳۸/۲	۱۰۵	شاغل فصلی
۲۲/۹	۶۳	۲/۵	۷	۲۰/۴	۵۶	بیکار (قبلا شاغل)
۵/۱	۱۴	۱/۱	۳	۴	۱۱	دارای درآمد بدون کار
۷/۳	۲۰	۱/۵	۴	۵/۸	۱۶	خانه‌دار
۵/۴	۱۵	۱/۸	۵	۳/۶	۱۰	سرباز
۱۴/۲	۳۹	۴/۴	۱۲	۹/۸	۲۷	شاغل دائمی
۱۰۰	۲۷۵	۱۸/۲	۵۰	۸۱/۸	۲۲۵	مجموع

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که اکثریت افراد حاشیه‌نشین به نوعی به مشاغل ناپایدار و بدون دوام مشغول هستند که امکان بیکاری را برای آنان افزایش می‌دهد. از میان سرپرستان خانوارهای مورد بررسی ۳۸/۲ درصد به نوعی در شغل‌های فصلی، ۵/۸ درصد خانه‌دار، ۳/۶ درصد سرباز و فقط ۹/۸ پاسخگویان دارای مشاغل دائمی هستند. در این تحقیق مشخص گردید که حداقل ۲۰/۴ درصد پاسخگویان در زمان انجام تحقیق بیکار بوده‌اند. مهمترین مشاغل ساکنان این منطقه جوشکار، دستفروش، بنا، مکانیک، صافکار، کشاورز، راننده، سیگارفروش، معلم، لوله‌کش، خیاط، آرایشگر و قالیبافی می‌باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی و حاشیه‌نشینی

مجموع		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت پایگاه اجتماعی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۶/۷	۴۶	۲/۹	۸	۱۳/۸	۳۸	طبقه متوسط بالا
۳۲/۴	۸۹	۷/۳	۲۰	۲۵/۱	۶۹	طبقه متوسط پایین
۵۰/۹	۱۴۰	۸	۲۲	۴۲/۹	۱۱۸	طبقه پایین
۱۰۰	۲۷۵	۱۸/۲	۵۰	۸۱/۸	۲۲۵	مجموع

برای سنجش پایگاه اجتماعی افراد با توجه به فاکتورهایی همچون شغل فرد (یا والدین وی)، میزان درآمد فرد (یا خانواده وی)، نوع مسکن، میزان تحصیلات فرد (و اعضای خانواده)، پاسخ دهندگان را در سه طبقه اجتماعی قرار دادیم. از آنجا که طبقه بالا به معنای این پایگاه در بین پاسخ دهندگان مشاهده نگردید، پایگاه اجتماعی افراد را به سه مقوله متوسط بالا، متوسط پایین و پایین تقسیم نمودیم.

همان گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد، اکثریت پاسخ‌دهندگان (۴۲/۹ درصد) متعلق به پایگاه اجتماعی پایین هستند. ۲۵/۱ درصد افراد متعلق به پایگاه اجتماعی متوسط رو به پایین هستند و فقط ۱۳/۸ درصد حاشیه‌نشینان متعلق به پایگاه اجتماعی متوسط رو به بالا هستند.

### بررسی سئوالات تحقیق

۱- آیا بین حاشیه‌نشینی و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد؟

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان براساس وضعیت مشارکت اجتماعی و حاشیه‌نشینی

مجموع		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت مشارکت اجتماعی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰/۹	۳۰	۳/۳	۹	۷/۶	۲۱	بالا
۲۳/۷	۶۵	۴/۴	۱۲	۱۹/۳	۵۳	متوسط
۶۵/۴	۱۸۰	۱۰/۵	۲۹	۵۴/۹	۱۵۱	پایین
۱۰۰	۲۷۵	۱۸/۲	۵۰	۸۱/۸	۲۲۵	مجموع

$$=0/000sig$$

$$=1df$$

$$=-7/66Z$$

برای آزمون این فرض از آزمون ویلکا کسون استفاده شده است. آزمون ویلکا کسون نوعی آزمون T می‌باشد. در این جدول میزان Z بدست آمده برابر با  $-7/66$  می‌باشد. با توجه به این عدد به دست آمده و نیز سطح اطمینان، این فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد. یعنی هرچه حاشیه‌نشینی افزایش یابد از میزان مشارکت اجتماعی افراد کاسته می‌شود. علامت منفی در نمره Z بدست آمده نشان دهنده ارتباط معکوس بین دو متغیر می‌باشد. داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که فقط ۷/۶ درصد افراد حاشیه‌نشین مشارکت اجتماعی بالایی در امور دارند و بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان مشارکت اجتماعی پایینی دارند.



۲- آیا بین حاشین‌نشینی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد؟

جدول ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان مشارکت سیاسی و حاشیه‌نشینی

وضعیت مشارکت سیاسی		حاشیه‌نشینی		غیر حاشیه‌نشینی		مجموع	
بالا	متوسط	کم	مجموع	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۴۰	۱۰۱	۸۴	۲۲۵	۱۴/۵	۱۳	۴/۷	۵۳
۳۶/۷	۳۰/۶	۸۱/۸	۲۷۵	۹/۸	۲۷	۳/۷	۹۴
۳۶/۷	۳۰/۶	۸۱/۸	۲۲۵	۱۴/۵	۱۳	۴/۷	۵۳
۳۶/۷	۳۰/۶	۸۱/۸	۲۲۵	۱۴/۵	۱۳	۴/۷	۵۳

به منظور سنجش میزان مشارکت سیاسی از رفتارهایی همچون شرکت در انتخابات، عضو جناح یا حزب سیاسی بودن، شرکت در راه‌پیمایها و گردهم‌آیی سیاسی و نظایر آن سؤال شده است. برای آزمون این فرضیه از آزمونهای متعدد استفاده گردیده است که نتایج آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۷: ضرایب همبستگی بین دو متغیر حاشیه‌نشینی و مشارکت سیاسی

ضرایب	میزان	سطح معناداری
خی‌دو	۷/۳۱	۰/۰۲
کنندال	۰/۳۲۳	۰/۰۰۰
کرامر	۰/۱۸۰	۰/۰۰۰
ویلکاکسون	-۶/۰۰۵	۰/۰۰۰

ضرایب همبستگی فوق نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد و این فرضیه که بین حاشیه‌نشینی و میزان مشارکت سیاسی مردم در منطقه حاشیه‌نشین رابطه وجود دارد. علامت منفی در نمره ضریب و ویلکاکسون گواه ارتباط معکوس بین این دو متغیر است. یعنی هرچه میزان حاشیه‌نشینی افزایش یابد، از میزان مشارکت سیاسی مردم کاسته می‌شود. ضریب کندال نشان دهنده این موضوع است که ۳۲ درصد تغییرات مشارکت سیاسی به وضعیت حاشیه‌نشینی افراد بستگی دارد. داده‌های جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که فقط ۱۴/۵ درصد افراد حاشیه‌نشین مشارکت سیاسی بالایی داشته‌اند و نزدیک به  $\frac{1}{3}$  ساکنان منطقه مشارکت سیاسی کمی

در مسایل و امور داشته‌اند.

۳- آیا بین حاشیه‌نشینی و وضعیت بیکاری رابطه وجود دارد؟

جدول ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت بیکاری و حاشیه‌نشینی

مجموع		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت بیکاری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۰/۸	۱۶۷	۹/۵	۲۶	۵۱/۳	۱۴۱	زیاد
۲۹/۸	۸۲	۶/۹	۱۹	۲۲/۹	۶۳	متوسط
۹/۴	۲۶	۱/۸	۵	۷/۶	۲۱	کم
۱۰۰	۲۷۵	۱۸/۲	۵۰	۸۱/۸	۲۲۵	مجموع

(sig)=۰/۰۰۰ سطح معناداری (df)=۲ درجه آزادی =۴۴/۵۹ کای اسکوتر (chi)

در جدول بالا کای اسکوتری بدست آمده  $\chi^2=44/59$ ، با درجه آزادی  $df=2$  و در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین دو متغیر حاشیه‌نشینی و بیکاری ارتباط معنادار گزارش می‌شود. به بیان دیگر هرچه قدر میزان بیکاری افزایش یابد می‌بایستی با ۹۹ درصد اطمینان از افزایش حاشیه‌نشینی صحبت نمود.

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۶۰/۸ درصد پاسخ‌گویان معتقدند بیکاری به گونه‌ای زیاد و در حد بالا در منطقه ارزان مشاهده می‌شود. فقط ۹/۴ درصد پاسخگویان معتقدند بیکاری در منطقه کم دیده می‌شود.

۴- آیا بین حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد؟

جدول ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس وضعیت آسیب‌های اجتماعی و حاشیه‌نشینی

مجموع		غیر حاشیه‌نشینی		حاشیه‌نشینی		وضعیت آسیب‌های اجتماعی در منطقه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۴/۶	۱۵۰	۸	۲۲	۴۶/۶	۱۲۸	زیاد
۳۵/۹	۹۹	۷/۲	۲۰	۲۸/۷	۷۹	متوسط
۹/۵	۲۶	۳	۸	۶/۵	۱۸	کم
۱۰۰	۲۷۵	۱۸/۲	۵۰	۸۱/۸	۲۲۵	مجموع

(sig)=۰/۰۰۰ سطح معناداری (df)=۲ درجه آزادی =۲۱/۲۱ کای اسکوتر (chi)

برای آزمون این فرضیه از ضریب خی دو استفاده شده است که میزان آن ۲۱/۲۱ تعیین گردیده است.

با توجه به ضریب خی دو و درجه آزادی  $df=2$  و سطح معناداری می‌توان نتیجه گرفت که بین وضعیت حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی ارتباط معناداری مشاهده می‌شود. این احتمال با ۹۹ درصد اطمینان می‌باشد. در واقع مناطق حاشیه‌نشین اگرچه محل زندگی انبوه تهیدستان شریف شهری است (پیران، ۱۳۸۰) اما بدلیل اینکه اغلب حاشیه‌نشینان نمی‌توانند جذب نظام‌های اقتصادی - اجتماعی شهرها به گونه‌ای مناسب شوند و از سویی دیگر تمایل و انگیزه‌ای برای بازگشت به شهرها و روستاهای مبدأ خود ندارند و عمدتاً در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و به بهانه پول درآوردن ممکن است هر شیوه و راهی را امتحان نمایند.

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۵۴/۶ درصد پاسخگویان میزان آسیب‌های اجتماعی منطقه را در حد زیاد ارزیابی نموده و فقط ۹/۵ درصد ساکنان میزان آسیب‌های اجتماعی منطقه را کم توصیف نموده‌اند.

۵- آیا بین وضعیت فقر و حاشیه‌نشینی رابطه معنادار وجود دارد؟

جدول ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان براساس وضعیت فقر و حاشیه‌نشینی

وضعیت فقر	حاشیه‌نشینی		غیر حاشیه‌نشینی		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زیاد	۱۳۵	۴۹/۱	۱۵	۵/۵	۱۵۰	۵۴/۶
متوسط	۶۶	۲۴	۲۹	۱۰/۵	۹۵	۳۴/۵
کم	۲۴	۸/۷	۶	۲/۲	۳۰	۱۰/۹
مجموع	۲۲۵	۸۱/۸	۵۰	۱۸/۲	۲۷۵	۱۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ۵۴/۶ درصد ساکنان منطقه ارزان وضعیت فقر را در حد بالا، ۳۴/۵ درصد در حد متوسط و فقط ۱۰/۹ درصد ساکنان فقر را در حد کم ارزیابی نموده‌اند. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای فقر و حاشیه‌نشینی از ضرایب خی دو و کرامر استفاده شده است. ضریب خی دو بدست آمده،  $chi=41/77$  با درجه آزادی ۲ و در سطح معناداری ۹۹ درصد موید وجود رابطه معنادار بین فقر و حاشیه‌نشینی است. بعبارت دیگر هرچه

قدر به میزان فقر افراد افزوده گردد، احتمال حاشیه‌نشینی آنها افزایش می‌یابد. همچنین مطابق با جدول زیر، ضریب کرامر بدست آمده نیز گواه تایید فرضیه می‌باشد، یعنی هرچه قدر حاشیه‌نشینی افزایش یابد، فقر بیشتری بدنبال آن گریبان ساکنان آن را می‌گیرد، پس رابطه مستقیم و مثبت است.

جدول ۱۱: ضرایب همبستگی کی دو و کرامر در ارتباط با حاشیه‌نشینی و وضعیت فقر ساکنان

ضرایب	میزان	درجه آزادی	سطح معناداری
خی دو	۴۱/۷۷	۲	۰/۰۰۰
کرامر	۰/۳۸۵	۲	۰/۰۰۰

## پیشنهادات و راهکارها

به طور کلی در مبحث پیشگیری از روند حاشیه‌نشینی و بهبود و اصلاح وضعیت حاشیه‌نشینان، مستلزم نگاهی کلان، جامع و سیستماتیک بین بخشها و نهادهای دولتی، مردمی و خصوصی هستیم. با در نظر گرفتن همه عوامل سهم در بروز حاشیه‌نشینی می‌توان در ۴ حیطه کلی برنامه‌های پیشگیرانه و اقدامات مورد نیاز را برای بهبود اوضاع حاشیه‌نشینان ارائه نمود که عبارتند از:

### ۱- عوامل مربوط به سیاست‌گذاریها

- بهره‌مندی از مدیریت شهری منعطف، کارآمد و اثربخش.
- تثبیت برنامه‌های دولتی و سیاست‌گذاریها در حوزه مدیریت شهری و پرهیز از روزمرگی قوانین مرتبط با حاشیه‌نشینی.
- واضح سازی و شفاف سازی سیاستهای دولتی در زمینه اعطای وام به شهروندان و تسهیل در جریان دسترسی به انواع وام‌ها.
- تلاش در جهت توزیع عادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد.
- تلاش در راستای تقویت برنامه‌های بین بخشی و سازمانی برای پاسخگویی موثر در نیازهای حاشیه‌نشینان.

- حمایت از شهروندان جهت خانه‌سازی اصولی و منطبق با برنامه‌های توسعه شهری

## ۲- عوامل اقتصادی

- کاهش روند دلال بازی و واسطه‌گری بویژه در زمینه احداث مساکن، اشتغال و نظایر آن.
- نظارت جدی و مستمر بر روند ساخت وسازهای غیر قانونی در حاشیه شهرها.
- تلاش جهت از بین بردن باندهای گوناگون رانت خواری در زمین‌ها و املاک حاشیه شهرها.
- افزایش جاذبه‌های روستایی و شهرک‌ها و شهرهای کوچکتر و بهره‌مند شدن ساکنان این مناطق از حداقل امکانات معیشتی.
- تلاش جهت کاهش اقشار آسیب‌پذیر و در معرض آسیب فقر اقتصادی.
- تلاش جهت رشد متعادل بخشهای اقتصادی در زمینه صنعتی، کشاورزی، خدمات و...

## ۳- آمایش سرزمین

- ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در زمینه نظام ارتباطات و زیر ساختهای شهری.
- پیش‌بینی فضای مسکونی مورد نیاز مردم بویژه برای اقشار کم درآمد و برنامه‌ریزی نحوه تحقق آن.
- به روز نمودن قوانین و مقررات قدیمی در زمینه مسکن، سیاستهای اشتغال و نظایر آن.
- تدوین برنامه‌های راهبردی بلندمدت در زمینه اشتغال، مسکن، آموزش شهروندان بویژه در کلان شهرها.

## ۴- عوامل اجتماعی

- تمرکز زدایی امکانات و منابع در شهرهای بزرگ و تمرکزگرایی امکانات به صورت بومی و محلی در نقاط مختلف.
- توانمندسازی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در نواحی روستایی و شهری بمنظور جلوگیری از رشد بی‌رویه جمعیت مهاجر.
- از بین بردن قوانین، آداب و رفتارهایی که موجبات تبعیض علیه اقلیتهای قومی، نژادی،

زبانی، مذهبی را فراهم می آورد.

- تقویت تشکلهای داوطلب مردمی فعال (NGO ها) در زمینه ساماندهی وضعیت حاشیه‌نشینان و محیط زندگی آنها.
- ایجاد حساسیت در بین اقشار مختلف مردم نسبت به پدیده حاشیه‌نشینی و عواقب و پیامدهای نامطلوب آن در نظام کارکرد شهری.
- تدوین قوانین و لوایح مرتبط با ساماندهی وضعیت حاشیه‌نشینی در پیرامون کلان شهرها.

## منابع

- ۱- افتخاری راد، زهرا، (۱۳۸۲) چهره‌نمایی بافت‌های اسکان غیررسمی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن. (مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، جلد اول.
- ۲- انصاری، عبدالمعبود، (۱۳۶۹) حاشیه‌نشینان شیراز به تهران، تهران: انتشارات آگاه.
- ۳- پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمدامیر (۱۳۸۱) نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- پیران، پرویز، (۱۳۶۷) شهرنشینی شتابان و ناهمگون (آلونک نشینی در تهران)، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی شماره ۲۳.
- ۵- تودارو، مایکل (۱۳۷۸) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات موسسه عالی پژوهش و برنامه‌ریزی توسعه.
- ۶- جواهری پور، مهرداد (۱۳۸۲) -ساختیابی اقتصادی -اجتماعی اسکان غیررسمی، (مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی)، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، جلد اول.
- ۷- حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، پدیده حاشیه‌نشینی قبل از انقلاب، (مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، جلد اول.
- ۸- ربانی، رسول، افشارکهن، جواد (۱۳۸۱)، «حاشیه‌نشینی و مشارکت»، فرهنگ اصفهان، شماره ۳۴.
- ۹- ربانی، رسول، کلانتری، حمد، یآوری، نفیسه (۱۳۸۳) پدیده حاشیه‌نشینی و پیامدهای اجتماعی،

فرهنگی آن در ارزنان و دارک اصفهان؛ نشریه پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد هفدهم، شماره دوم.

۱۰- زاهد زاهدانی، سیدسعید، (۱۳۶۹) حاشیه‌نشینی، چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

۱۱- زاهد زاهدانی، سیدسعید(۱۳۵۵)، «حاشیه‌نشینیان شهر کرمان»، تهران، دفتر مطالعات ناحیه‌ای سازمان برنامه و بودجه.

۱۲- فلاح، حاجیه (۱۳۸۲) ملاشیه، حاشیه‌ای از شهر اهواز، (مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، جلد ۲.

۱۳- کلهرنیا، بیژن(۱۳۸۲) دیدگاه‌هایی درباره اصلاح ساختارهای ناسازگار ناشی از حاشیه‌نشینی‌های تهران (مجموعه مقالات حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی) تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، جلد اول.

۱۴- لهسایی زاده، عبدالعلی، (۱۳۶۸) نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید.

15- Burgess, Ernest, (1986) the growth of city. The university of Chicago press.

16- Clinard, marshal B,(1966) .slum and community development. New york: the free press.

17- Stiglitze.j(1999). Global concept theory of ecourical growth of under developed couties, universal band digest.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی